



روایت وداع دختران دانش آموز با یک شهید گمنام همزمان با هفته دفاع مقدس

بچه‌ها پای درس معلمی که او را نمی‌شناختند

گزارش

ملیحه محمود خواه

گروه اجتماعی

مراسم آغاز سال تحصیلی امسال، به‌جای حضور میهمانان رسمی، با عطر زیارت عاشورا، گل و کلاب و حضور پیکر شهیدی برگزار شد که نامش برای دانش‌آموزان گمنام بود، اما حضورش در دل آنها ماندگار شد. حیاط مدرسه بهروزان در منطقه ۱۲ تهران، این بار با صدای زنگ کلاس‌ها و تبریک‌های معمول آغاز سال تحصیلی جان نگرفت؛ صبح چهارشنبه هشت مهرماه صدای صلوات و زمزمه زیارت عاشورا در فضای مدرسه پیچید. دختران دانش‌آموز، چغیه بر دوش و شاخه‌های گل در دست، گرد تابوتی جمع شدند که بر دوش خادمان شهدا وارد حیاط شده بود؛ تابوت یک شهید گمنام که پیکرش به‌تازگی در جریان تحفص پیدا شده بود. قرار بود مراسم آغاز سال تحصیلی مدرسه به شکل سال‌های گذشته برگزار شود؛ با حضور یکی از مسئولان دولتی، مدیران شهری یا شهردار منطقه. اما امسال مدیر و کادر مدرسه تصمیم گرفتند برنامه‌آغاز سال تحصیلی را به هفته دفاع مقدس منتقل کنند و به‌جای دعوت از یک میهمان رسمی، میزبان میهمانی باشند که سال‌ها پیش برای آرامش و امنیت همین روزهای دانش‌آموزان از جان خود گذشته است.

صبح آن روز بسیاری از دختران از ماجرای میهمان مدرسه اطلاع دقیقی نداشتند. تنها از طریق پیامی که عصر روز قبل در گروه مدرسه منتشر شده بود، فهمیده بودند که قرار است برنامه‌ای متفاوت برگزار شود. با این‌حال، صبح زود با گل، کلاب و حال‌وهوایی متفاوت به مدرسه آمدند. بعضی از آنها شاخه‌های گل به همراه داشتند و چند دانش‌آموز نیز پارچه‌ها و تبرک‌هایی را که از سفر کربلا و نجف یا خود آورده بودند، برای حضور در این مراسم آماده کرده بودند.

وقتی پیکر شهید وارد مدرسه شد،

فضای حیاط تغییر کرد. دانش‌آموزان که تا دقایقی قبل در کنار هم مشغول گفت‌وگو بودند، آرام‌آرام اطراف تابوت حلقه زدند. صدای مداحی و زیارت عاشورا بلند شد و دختران، با چشم‌هایی اشکبار، برای شهیدی که نام و نشانی از او نمی‌دانستند، عزاداری کردند.

آغاز سال تحصیلی با یک میهمان متفاوت

خانم فرخی، مدیرمدرسه بهروزان، درباره تصمیم امسال مدرسه می‌گوید: «ما هر سال برای آغاز سال تحصیلی از میهمانان مختلف دعوت می‌کردیم. سال گذشته اعضای شورای شهر تهران و شهردار منطقه ۱۲ در برنامه مدرسه حضور داشتند و امسالک هم می‌توانستیم همین مسیر را ادامه بدهیم. اما با توجه به اتفاقاتی که در کشور افتاده بود و حال‌وهوایی که بین بچه‌ها وجود داشت، احساس کردیم برنامه امسال باید متفاوت باشد.»

او می‌گوید: «به این نتیجه رسیدیم که به‌جای دعوت از یک میهمان رسمی، شهیدی را به مدرسه دعوت کنیم؛ میهمانی که حضورش برای بچه‌ها معنای اثر بیشتری داشته باشد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم مراسم آغاز سال تحصیلی را با هفته دفاع مقدس پیوند بزنیم و میزبان پیکر یک شهید گمنام باشیم.»

بدرقه‌ای با گل و کلاب

برش

در پایان مراسم، دختران به نوبت کنار تابوت رفتند. بعضی شاخه‌های گل خود را روی آن گذاشتند و بعضی با کلاب از میهمان گمنام مدرسه استقبال کردند. چند دانش‌آموز نیز دست‌نوشته‌هایی کوتاه برای شهید نوشته بودند؛ نامه‌هایی که در آنها از آرزوهایشان، خانواده‌هایشان و نگرانی‌هایشان گفته بود.

یکی از دختران هنگام وداع آرام زیر لب گفت: «کاش می‌دانستیم اسمت چیست تا با نام صدایت کنیم.» دانش‌آموز دیگری با جشمایی اشکبار گفت: «تو امروز میهمان مدرسه ما بودی، اما دیگر غریبه نیستی.»

پیکر شهید پس از دقایقی از میان جمعیت دانش‌آموزان عبور کرد. دختران تا ورودی مدرسه او را بدرقه کردند و آخرین شاخه‌های گل را روی تابوت گذاشتند. مراسم تمام شد، اما حال‌وهوای آن در مدرسه باقی ماند؛ روی چغیه‌هایی که بر شانه دانش‌آموزان بود، در گلبرگ‌هایی که بر تابوت ریخته شد و در چشم‌هایی که پس از رفتن شهید هنوز خیس مانده بود. مدرسه بهروزان سال تحصیلی را با یک برنامه رسمی و سخنرانی آغاز نکرد؛ دختران متوسطه اول این مدرسه، آغاز سال را با زیارت عاشورا، گل و کلاب و بدرقه شهیدی برگزار کردند که نامش گمنام بود، اما حضورش برای آنها به اندازه یک آشنای قدیمی، نزدیک و آرامش بخش شد.

به گفته مدیرمدرسه، قطعی‌شدن

حضور شهید تا بعدازظهر روز پیش از مراسم طول کشید و پس از آن، موضوع از طریق گروه مدرسه به اطلاع دانش‌آموزان رسید. فرخی می‌گوید: «به بچه‌ها گفتیم فردا میهمان ویژه‌ای داریم، اما جزئیات را کامل نگفتم. صبح که دانش‌آموزان

او اظهار امیدواری کرد حضور شهید باعث شود بچه‌ها به هم نزدیک‌تر شوند و میان آنها وحدت و همدلی بیشتری شکل بگیرد: «دانش‌آموزان ما باید بدانند که برای خدمت به جامعه و کشور، هرکدام می‌توانند نقشی داشته باشند. شهدا به ما یاد می‌دهند که مسئولیت‌پذیری، فداکاری و توجه به دیگران فقط مربوط به یک دوره خاص نیست.»

در میان دانش‌آموزان، بعضی آرامش می‌ریختند و بعضی با اشتک لرزان روی تابوت گل می‌گذاشتند. آنها درباره حرف‌های متفاوتی می‌زدند، اما در بیشتر گفته‌هایشان یک جمله مشترک شنیده می‌شد: «این شهید برای ما غریبه نبود.» زهرا، دانش‌آموز پایه هفتم، می‌گوید: «وقتی فهمیدم قرار است پیکر شهید به مدرسه

انگار یکی از اعضای خانواده‌مان آمده بود

در میان دانش‌آموزان، بعضی آرامش می‌ریختند و بعضی با اشتک لرزان روی تابوت گل می‌گذاشتند. آنها درباره حرف‌های متفاوتی می‌زدند، اما در بیشتر گفته‌هایشان یک جمله مشترک شنیده می‌شد: «این شهید برای ما غریبه نبود.» زهرا، دانش‌آموز پایه هفتم، می‌گوید: «وقتی فهمیدم قرار است پیکر شهید به مدرسه می‌رود، فکر نمی‌کردم این قدر تحت‌تأثیر قرار بگیرم. اما وقتی تابوت وارد حیاط شد، احساس کردم یکی از اعضای خانواده‌مان آمده است. با خودم فکر کردم شاید مادر این شهید سال‌ها منتظر بازگشت او بوده باشد. دلم می‌خواست کاری کنم که بداند اینجا هم کسانی هستند که او را فراموش نکرده‌اند.» ریمسا دانش‌آموز پایه هفتم، می‌گوید: «من تا قبل از این مراسم پیکر شهید را از نزدیک ندیده بودم. وقتی بچه‌ها شروع به خواندن زیارت عاشورا کردند، احساس کردم فضای مدرسه کاملاً عوض شده است. همه ساکت شده بودند و هرکس، با خودش حرف می‌زد. من برای خانواده این شهید دعا کردم و از خدا خواستم به آنها صبر بدهد.»

برای سارا، دانش‌آموز پایه نهم، این مراسم فرصتی بود تا نگاهش به مفهوم شهید تغییر کند. او می‌گوید: «ما همیشه درباره دفاع مقدس و شهدا در کتاب‌ها و برنامه‌های مدرسه چیزهایی شنیده‌ایم، اما دیدن تابوت یک شهید گمنام حس دیگری داشت. آن لحظه دیگر شهید برانرم فقط یک تصویر یا یک اسم در کتاب نبود. احساس کردم یک انسان جود که از آرزو و خانواده داشته و برای دفاع از کشورش از همه چیز گذشته است.»

یکی دیگر از دانش‌آموزان که خود را نرگس معرفی می‌کند، می‌گوید: «من در ابتدا فکر می‌کردم مراسم خیلی عمگین باشد، اما بعد متوجه شدم حضور شهید به ما آرامش می‌دهد. زندگی با تابوتی داشته باشد. مادر محمدرضا به سختی‌های تأمین پانسمان‌های تخصصی اشاره می‌کند و می‌گوید: «دسترسی به پانسمان‌ها همیشه دشوار بوده؛ اما حاج‌آقا و همکارانشان در خانه‌ای بی‌در تمام این سال‌ها، بویژه در روزهای بحرانی جنگ رمضان، شبانه‌روز برای رساندن این اقلام به دست ما تلاش کرده‌اند. حتی در شرایطی که دسترسی بسیار سخت بود، آنها به هر طریق ممکن نیازهای دارویی و پانسمان بچه‌ها را مدیریت می‌کردند. در مواردی که ناچار می‌شوم برخی اقلام را شخصاً تهیه کنم، قدر این تلاش‌های بی‌وقفه را بیشتر درک می‌کنم.»

داده است. خیلی از بچه‌ها گریه می‌کردند، ولی بعد از گریه سبک‌تر شده بودند. من هم چند روزی بود که نگرانی‌هایی داشتم و ذهنم آرام نبود. وقتی کنار تابوت نشستم، احساس کردم می‌توانم با خیال راحت دعا کنم.»

شهیدی که دانش‌آموزان او را پیدا کردند

خاتم حیدرنژاد، مسئول بسیج دانش‌آموزی آموزش و پرورش منطقه ۱۲، درباره برنامه‌های حضور شهدا در مدارس می‌گوید: «چند سال است که هم‌زمان با هفته دفاع مقدس و آغاز سال تحصیلی، روایتگری دفاع مقدس در مدارس منطقه برگزار می‌شود. بعضی مدارس درخواست حضور کاروان، مداح و راوی دارند و بعضی مدارس نیز علاقه‌مند هستند میزبان پیکر مطهر یک شهید باشند.»

او توضیح می‌دهد: «امسال به برکت حضور شهید، این برنامه در مدارس مختلف منطقه با استقبال زیادی روبه‌رو شد. بعضی مدیران همان لحظه که از برنامه مطلع می‌شدند، با ما تماس می‌گرفتند و درخواست می‌کردند شهید به مدرسه آنها هم برود. حتی برخی مدارس برای میزبانی از شهید به معراج شهدا نامه می‌زدند.» مسئول بسیج دانش‌آموزی منطقه ۱۲ درباره تأثیر این برنامه بر دانش‌آموزان

می‌گوید: «گاهی ممکن است تصور شود حضور پیکر شهید در مدرسه باعث ناراحتی بچه‌ها می‌شود، اما آنچه ما در مدارس می‌بینیم، بیشتر از جنس آرامش است. دانش‌آموزان با شهید ارتباط برقرار می‌کنند؛ انگار که او را از نزدیک می‌شناسند. بعضی از آنها شهید را مانند برادر خود می‌بینند، بعضی مانند فرزند یا عضوی از خانواده. این ارتباط معنوی باعث می‌شود بچه‌ها برای دقایقی از دغدغه‌های روزمره فاصله بگیرند و با خودشان خلوت کنند.»

حیدرنژاد می‌گوید: «دانش‌آموزان امروز آرزوها، نگرانی‌ها و مسائل خاص خودشان را دارند. آنها دنبال یک تکیه‌گاه و نیروی معنوی هستند. حضور شهید، این فرصت را برایشان فراهم می‌کند که با دل آرام دعا کنند و احساس کنند تنها نیستند. من در مدارس مختلف دیدم که دانش‌آموزان با دیدن پیکر شهید گریه کرده‌اند، اما این گریه همراه با آرامش بوده است؛ گویی یک فشار روحی از آنها دور شده است.»

خبر واریز مبالغ غرامت رسید، اولین چیزی که در دلم حس کردم، شادی و آرامش بود؛ نه فقط برای پسر خودم، بلکه برای شادی دل تکتک فرزندان این مجموعه که این حمایت‌ها مرهمی بر درد‌هایشان است.»

او درباره برنامه‌اش برای این مبلغ می‌گوید: «از آنجا که مستأجر هستم، دغدغه‌های معیشتی وجود دارد، اما اولویت اصلی من برای این پول، آینده محمدرضا است. عاشق دانش‌آموز کلاس یازدهم و عاشق کامپیوتر است؛ تمام تلاشم را می‌کنم تا این سرمایه را برای استقلال و آینده تحصیلی و شغلی پسرم حفظ کنم تا بتواند با تکیه بر توانمندی‌های

خودش، زندگی باثباتی داشته باشد.» مادر محمدرضا به سختی‌های تأمین پانسمان‌های تخصصی اشاره می‌کند و می‌گوید: «دسترسی به پانسمان‌ها همیشه دشوار بوده؛ اما حاج‌آقا و همکارانشان در خانه‌ای بی‌در تمام این سال‌ها، بویژه در روزهای بحرانی جنگ رمضان، شبانه‌روز برای رساندن این اقلام به دست ما تلاش کرده‌اند. حتی در شرایطی که دسترسی بسیار سخت بود، آنها به هر طریق ممکن نیازهای دارویی و پانسمان بچه‌ها را مدیریت می‌کردند. در مواردی که ناچار می‌شوم برخی اقلام را شخصاً تهیه کنم، قدر این تلاش‌های بی‌وقفه را بیشتر درک می‌کنم.»

غرامتی که تبدیل به سرپناه شد

فاطمه الطافی یکی دیگر از بیماران پروانه‌ای است که به همراه همسرش که او هم درگیر این بیماری است، پس از سال‌ها زندگی در شرایط سخت، اکنون با دریافت غرامت، بار بزرگی از دوشش برداشته شده است.

او درباره روند دریافت این غرامت می‌گوید: «از سالی که مدیرعامل خانه‌ای، درخواست توقیض وکالت برای پیگیری حقوقی در مراجع بین‌المللی را مطرح کردند، ما با اعتماد کامل این کار را انجام دادیم. خوشبختانه با حمایت‌های قوه قضائیه، رأی به نفع بیماران صادر شد و اکنون این مبالغ به حساب ما واریز شده است.» الطافی درباره تأثیر این مبلغ بر کیفیت زندگی‌شان می‌گوید: «شاید این مبلغ برای برخی رقم چشمگیری نباشد، اما برای ما که زوجی پروانه‌ای هستیم و پیش از این دغدغه‌های فراوان معیشتی داشتیم، گره‌گشای بزرگی بود. ما مستأجر بودیم و با همین مبلغ توانستیم سرپناهی تهیه کنیم که امنیت و آرامش بیشتری برای زندگی مشترکمان فراهم کرده است؛ این برای من و همسر که سال‌ها با مشکلات مختلفی دست‌وپنجه نرم کرده‌ایم، اتفاق بسیار امیدبخشی بود.»

او با تأکید بر اینکه حمایت‌های خانه‌ای بی‌وقفه محدود به مسائل مالی نبوده است، توضیح می‌دهد: «در طول هفت سال زندگی مشترکمان، همیشه شاهد تلاش‌های بی‌وقفه مدیرعامل خانه‌ای بی‌و همکارانشان بوده‌ایم. حتی در روزهای سخت تحریم و دوران بحرانی که دسترسی به پانسمان به حداقل رسیده بود، مسئولان و مددکاران این مجموعه لحظه‌ای ما را تنها نگذاشتند و با مدیریت جهادی، اقلام مورد نیاز ما را تأمین کردند.»

این بیمار پروانه‌ای با تقدیر از مسئولان کشور گفت: «همسر من با شغل مسافركشی بار زندگی را به دوش می‌گشدد، اما در تمام این سال‌ها همپای هم بودیم و ما با حمایت‌های دولت و خانه‌ای‌توانستیم شرایط را مدیریت کنیم. مهم‌ترین دغدغه ما همچنان تأمین پایدار پانسمان‌هاست که امیدواریم با رفع تحریم‌های دارویی، این مسیر هموارتر شود.»

اجتماعی

اخبار

وزیر رفاه: توسعه محله‌محوری

با هدف بهره‌گیری از تجربه

سالمندان دنبال می‌شود

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیان اینکه سالمندی پدیده‌ای جهانی است و ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، گفت: «محله‌محوری یکی از سیاست‌های مهم دولت در حوزه سالمندی است و تلاش می‌کنیم از ظرفیت و تجربه سالمندان در سطح محله‌ها استفاده کنیم.»

احمد میدری در همایش روز جهانی سالمندان با اشاره به اقدامات دولت در حوزه سالمندی گفت: «دولت اقدامات مختلفی را در این حوزه در دست اجرا دارد و شورای سالمندان کشور نیز به‌طور مستمر تشکیل جلسه می‌دهد و مسائل مربوط به سالمندان در این شورا پیگیری می‌شود. حدود یک ماه پیش در همین سالن میزبان رئیس جمهوری بودیم و بازنشستگان به عنوان گروهی از سالمندان، از سازمان تأمین اجتماعی، صندوق بازنشستگی کشوری و سایر صندوق‌ها حضور داشتند. رئیس جمهوری با حوصله مطالبات و دغدغه‌های آنان را شنید و درخواست‌های مطرح شده جمع‌آوری شد.»

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: «رئیس جمهوری به‌طور ویژه درخواست‌های مطرح شده را پیگیری کردند و این مطالب برای ایشان ارسال شده است. ان‌شاءالله برای پیگیری مطالبات بازنشستگان، جلسه دیگری نیز برگزار خواهد شد.»

میدری با اشاره به رویکرد دولت در قبال موضوع سالمندی گفت: «نگاه دولت به سالمندی روشن است و یکی از مهم‌ترین سیاست‌هایی که شخص رئیس جمهوری دنبال می‌کند، موضوع محله‌محوری است؛ به این معنا که با احیای محله‌ها بتوانیم از تجربه و اندوخته‌های سالمندان در کوچک‌ترین نهاد اجتماعی پس از خانواده، یعنی محله استفاده کنیم. با پیگیری و جدیتی که رئیس جمهوری در زمینه محله‌محوری دارند، تلاش می‌کنیم این رویکرد را در مدارس، مساجد و پارک‌ها با همکاری شهرداری و نهادهای حمایتی مانند سازمان بهزیستی و کمیته امداد اجرایی کنیم.»

او درباره وضعیت اقتصادی بازنشستگان نیز گفت: «اقداماتی مانند افزایش حقوق بازنشستگان انجام شده است، اما با توجه به تورم شدید که در کشور وجود داشته، این اقدامات به‌طور کامل پاسخگو نباشا نیست و می‌دانیم قدرت خرید همه اقشار، از جمله بازنشستگان و سالمندان، تحت تأثیر قرار گرفته است.»

وزیر آموزش و پرورش: عدالت

آموزشی مسئولیتی ملی است

وزیر آموزش و پرورش با تأکید بر ضرورت همزمانی توسعه فضاهای آموزشی و ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت گفت: «آموزش و پرورش تنها به ساخت مدرسه و تأمین تجهیزات محدود نمی‌شود، بلکه ارتقای کیفیت آموزش و توانمندسازی معلمان در قلب برنامه‌های این وزارتخانه قرار دارد.» همزمان با آغاز سال تحصیلی جدید و در راستای اجرای «نهضت توسعه عدالت در فضاهای آموزشی و پرورشی»، مدارس «۷۰۱» اقدامات توسعه فضاهای «لرانه‌زمین» در ناحیه ۷ آموزش و پرورش مشهد مقدس با حضور علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش افتتاح و به بهره‌برداری رسید.

کاظمی در آیین افتتاح این مدارس با اشاره به شتاب گرفتن روند مدرسه‌سازی و توسعه فضاهای آموزشی در کشور توضیح داد: «سال گذشته ۲ هزار و ۴۰۰ مدرسه با حدود ۱۱ هزار کلاس درس احداث شد که این میزان، رکوردی بی‌سابقه در مدرسه‌سازی کشور محسوب می‌شود. با تأکید و پیگیری رئیس جمهوری، «نهضت توسعه عدالت در فضاهای آموزشی» به یکی از اولویت‌های اصلی دولت تبدیل شد و استانداران، دستگاه‌های اجرایی، خیرین مدرسه‌ساز و مجموعه‌های مختلف کشور نیز برای تحقق این هدف پای کار آمدند.»

وزیر آموزش و پرورش گفت: «در سال گذشته ۲ هزار ۴۰۰ مدرسه با حدود ۱۱ هزار کلاس درس در کشور ساخته شد؛ در حالی که رکورد پیشین مدرسه‌سازی حدود ۸ هزار کلاس درس بود. امسال نیز ساخت حدود ۱۳ هزار واحد آموزشی و کلاس درس در دستور کار قرار گرفته که بخش قابل‌توجهی از آنها مدارس بزرگ‌مقیاس ۶، ۷، ۸ و ۱۸ کلاس هستند.» کاظمی همچنین با قدردانی از مشارکت خیرین مدرسه‌ساز گفت: «میزان مشارکت خیرین در امر مدرسه‌سازی از حدود ۱۱ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۳ به حدود ۲۸ هزار میلیارد تومان در سال ۱۴۰۴ افزایش یافته و این روند همچنان ادامه دارد. این مشارکت گسترده نشان‌دهنده عزم ملی برای تحقق عدالت آموزشی و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان در سراسر کشور است.»

وزیر آموزش و پرورش با تأکید بر اینکه توسعه زیرساخت‌ها باید در کنار ارتقای کیفیت تعلیم و تربیت دنبال شود، گفت: «آموزش و پرورش تنها به ساخت مدرسه و تأمین تجهیزات محدود نمی‌شود، بلکه کیفیت آموزش و توانمندسازی معلمان در قلب برنامه‌های این وزارتخانه قرار دارد.» کاظمی همچنین با اشاره به اقدامات مدارس شده در حوزه فناوری و هوشمندسازی مدارس گفت: «در شبکه شاد حدود ۳۰۰ سرور جدید به زیرساخت‌های این شبکه افزوده شده و بیش از ۱۲ هزار و ۵۰۰ کلاس درس نیز با روش‌های نوین تجهیز و هوشمندسازی شده است. همچنین آموزش بیش از چهار میلیون دانش‌آموز و ۲۵۰ هزار معلم در زمینه هوش مصنوعی در دستور کار قرار گرفته است و تلاش می‌کنیم آموزش و پرورش متناسب با تحولات علمی و فناوری روز جهان حرکت کند.»